



۲۰۲۰/۰۲/۰۱



م، نعیم بارز

## آتش بس، یا معمای «کاهش خشونت»؟



چرا گروه طالبان از قبول آتش بس به عنوان یک امر معمول و پیش زمینه مذاکره با دولت افغانستان سرباز زده، از آن طرفه رفته و حرف پوچ «کاهش خشونت» را پیش کشیده است؟

به برداشت من، گروه طالبان از چند سال اخیر بدین سو دیگر آن گروهی نیست که در گذشته بر اساس یک رهبری واحد و تحت حمایت همه جانبه دولت پاکستان قرار داشت و از یک مرکز واحد سوق و اداره می شد، اکنون بعضی بخش های دیگری از طالبان با گرفتن پول و اسلحه از روسیه، چین و ایران در وابستگی به آن کشور ها قرار گرفته اند. لذا اگر به آتش بس تن دهند میدانند که افراد وابسته به دولت های دیگری به نقض آن اقدام کرده و در آن صورت نه تنها ادعای خود مرکز ببنی آنها بلکه نفوذ و صلاحیت حکومت پاکستان نیز زیر سوال رفته و بی اعتبار می شود. واقعیت این است که پس از سقوط رژیم طالبان ادامه زده سال جنگ با موجودیت نیروهای بین المللی به سر دمداری ایالات متحده آمریکا در افغانستان نه تنها زمینه را برای بهره برداری دولت پاکستان بلکه برای دخالت کشور های دیگری نیز فراهم کرده است، حتی جنگ افغانستان برای استفاده جویان امریکایی زمینه خوبی را فراهم نموده است. استفاده جویی های میلیون دالری مشاورین نظامی و سیاسی و موسسات و کمپنی های فروش اسلحه و ابزار و مهمات جنگی به دولت آمریکا و دولت با اخذ تکس و مالیه از مردم دولت آمریکا را به اصطلاح به یک گاو شیرینی مبدل نموده است.

متأسفانه جنگ با دالر امریکایی و ریختن خون مردم افغانستان لاین قطع جریان دارد. چند روز قبل در تلویزیون طلوع صحبت این بود که بر علاوه از فروش مرمی و سلاح خفیف از سوی بعضی سران پولیس و اردو به طالبان، اینک در اثر تحقیقاتی که از سوی موسسه سیگار صورت گرفته افشا شده که یک هزار تانک جنگی در هلمند مفقود گردیده و معلوم نیست که چه دست های در کار بوده و زیر نام تخریب در جنگ به چه قیمت ناچیزی به کدام کشورها فروخته شده است؟

اینکه گفته می شود دولت آمریکا در جنگ ها و باز سازی یکونیم تریلیون دالر را به در افغانستان به مصرف رسانده است شاید مبالغه نباشد. اما معلوم است که این همه پول به هیچ وجه در باز سازی افغانستان و به نفع اکثریت مردم افغانستان به مصرف نرسیده است و اینکه گفته می شود برای دولت افغانستان تا کنون یکصد و سی میلیارد دالر پرداخت شده در این هم تردیدی نیست ولی طوری که گفته شده هشتاد در صد آن از سوی مقامات و زور مندان به

تاراج رفته، زیرا مصرف این همه پول در بازسازی کشور و زندگی مردم و آبادی کشور چندان محسوس و به مشاهده نمی رسد، اما معلوم است که یک بخشی از افراد ملکی و مقامات دولتی در زد و بند باهم صاحب میلیون ها دالر و مالک شهرک ها و بلند منزل ها و بسی چیز های دیگر در افغانستان، دویی و جاهای دیگر شده اند و متأسفانه از سوی دیگر هزار ها جوان از بیکاری یا در صف طالب ها پیوسته اند و یا صد ها هزار جوان تا هنوز به صورت حقارت بار و دشوار در ایران و پاکستان و جا های دیگر کار میکنند تا پول لقمه نانی را برای فامیل های شان بدست آورند، حتی بعضاً از درماندگی و فشار رژیم آخوندی ایران مجبور شده اند به جنگ سوریه رفته و در آنجا قربانی شوند. سر بازار معیوب شده در جنگ ها نانی برای خوردن و سرپناهی برای خوابیدن ندارند چه رسد برای دوا و معالجه.

از طریق تلویزیون ها دیده می شود زن ها و اطفال خورد سال که زیر نام مهاجرت به پاکستان رفته بودند از وضعیت شان پیداست که نان آور های شان را در جنگ ها و یا به گونه دیگری از دست داده و با پیر مرد ها به کشور برگشته اند. اطفال شان با سر و پا برهنه در دشت و بیابان در هوای داغ تا بستان و یا در هوای برف و باران زمستان در زیر خیمه های خود ساخته از تکه های کهنه و پلاستیک های به دور انداخته شده به حال رقت بار به سر می برند. با این وضع داکتر عبدالله رئیس اجرائی و دومین فرد دارای صلاحیت و مسئولیت در دولت برای خرید لباس به لندن رفته و از مغازه های بلند ترین مارک ها لباس خرید کرده و هر روز خود را با یک لباس مدرن نشان داده و داد از مردم خواهی و حقوق مردم نیز می زند.

با این حال چه کسانی می خواهند جنگ چهل ساله افغانستان پایان یابد، آیا مافیای مواد مخدر یا صاحب منصب های بلند رتبه پولیس و عسکری یا مشاورین و جنرال های امریکایی؟ نه زیرا هیچ کدام نمی خواهند منافع خود را از دست دهند و الی بار ها گفته و استدلال شده اگر واقعاً امریکایی ها می خواستند در همان سال های نخست لشکر کشی شان در افغانستان با یک اخطار جدی و تهدید به تعزیرات اقتصادی علیه پاکستان جنگ مذکور پایان می یافت.

جنگ که به درازا کشید، کشور های قدرتمند منطقه و جهان مثل روسیه، چین و ایران فرصت یافتند تا در رقابت با ایالات متحده امریکا در میان گروه های طالب رخنه کرده با پرداخت پول و سلاح هر کدام گروهی را وارد عملیات تروریستی و جنگ و تخریب افغانستان نمایند. چون بر اساس تجربه تاریخی از زمان آغاز استعمار بدین سو هر یک قدرت ها در این جهان برای خود قلمرو های دارند و تا جایی که بتوانند اجازه نمی دهند قدرت دیگری در قلمرو شان نزدیک شده و نفوذ پیدا کند. همچنان در هر جایی که جنگی در گیرد آنها نمی خواهند از آن دور و بی تفاوت باقی بمانند بلکه تا جاییکه ممکن باشد از آن خوشه چینی و بهره برداری می نمایند.

آنها می دانند که هر قدر به تشدید جنگ در افغانستان بافزایند امریکا به مثابه رقیب قدرتمند متقبل مصارف بیشتری می شود و می گوشت از این دام رهایی یابد اما نمی تواند افغانستان را با این همه مصارف و تلفات انسانی به حال خود رها کرده که بار دیگر و بیشتر از گذشته تروریست ها امریکا و شرک هایش را مورد حمله قرار دهند. پس مجبور است در یک کنفرانس با همه کشور های درگیر برای معضله افغانستان راه حلی را جستجو نمایند و در آن وقت است که رقبای امریکا هر کدام خواست های خود را به زبان دیپلماسی مستقیم و یا غیر مستقیم مطرح می نمایند:

مثلاً: اگر آمریکا از روسیه بخواهد از نفوذ که بالای طالبان دارد آنها را راضی سازد که از ادامه جنگ دست کشیده و راه صلح را با دولت افغانستان در پیش گیرد. مسلماً روسیه به آمریکا خواهد گفت اگر چنین توقعی را از ما دارید نیروهای تان را از جنگ سوریه بیرون نماند. و اگر همین تقاضا را آمریکا از چین نماید. نماینده کشور چین خواهد گفت: آمریکا باید بما اطمینان دهد که در امور تایوان و هانکانگ دخالت نمی نماید. و ایران که با صدها کیلومتر همسایگی و از طریق طالبان دست درازی در افغانستان دارد، هر گاه از آن دولت خواسته شود که بدخالت خود در افغانستان پایان دهد، بی تردید خواهد گفت:

اضلاع متحده آمریکا به تعزیرات علیه ایران خاتمه داده و نیروهای خود را از عراق فرا خواند. با درک این مسایل می رسیم به این موضوع که حل و فصل قضایا در جهان شبیه معاملات تجاری بوده، در آن داد و گرفت مطرح است.

بنابراین گرچه پاکستان بالای اکثریت رهبران طالبان نفوذ دارد و می تواند نقش اساسی را در به وجود آوردن صلح در افغانستان بازی نماید، اما چند دستگی و ارتباط بعضی گروه های دیگر طالبان با چند کشور دیگر منطقه، کار آتش بس و رفتن بر سر میز مذاکره را در جهت رسیدن به صلح دشوار نموده است.

از سوی دیگر همه این را خواهند پذیرفت که بنابر فقر و بیکاری در افغانستان و منطقه افراد زیادی به عملیات تروریستی رو آورده اند که طی چهل سال جنگ در افغانستان آنها به افراد جنگ جوی حرفه ای مبدل شده اند و در کوتاه مدت کار دیگری از آنها ساخته نخواهد بود. بناءً از جانب هر دولتی که به آنها پول و سلاح پیش کش شود به خواست آن دولت خواهند جنگید.

خلاصه بدون توافق همه گروه های وابسته کشور های منطقه و بدون دولت های زیربسط منطقه و جهان در جنگ افغانستان، ممکن نخواهد بود صرف با توافق دولت آمریکا و آن بخشی از گروه طالبان تحت نفوذ پاکستان آتش بس سرتاسری و صلح دوام دار در کشور صورت گیرد. پایان ۲۶/۰۱/۲۰۲۰

\*\*\*\*\*

### تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز و قلم بدست شناخته شده افغانستان را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

آتش بس، یا معمای « کاهش خشونت »؟